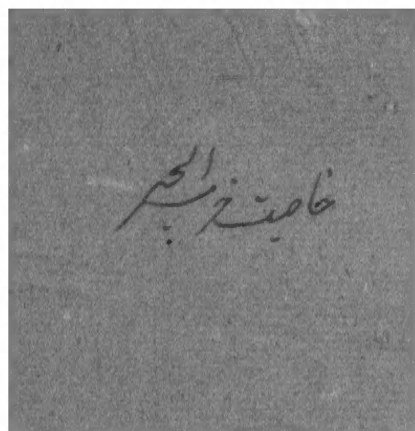


٢٠٩

خاصيت حبيب البجر







این کتاب از کتابخانه
موزه و کتابخانه
ملی ایران است
و به شماره ثبت
۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰
دارد





بسم الله الرحمن الرحيم

طریق قاضیت هر پنج اول آن است اگر نوشته در
بار و خود به بند و پنج سحرهای بروی کار کنند دویم روز پنجشنبه شب
مشتی بنام چهار کس نوشته زیر بالینی هند انکس محبتی کرد و سیوم
آنکه اگر نوشته با خود دارد از جمله بلاها در امان باشد چهارم آنکه سه بار
بر قند خوانند بدهد بخوانند از در دره خلاص شود پنجم برای دفع بکوره
انخوان بر آب پستید و یکبار بخوانند در محض نالو رطل کند ششم آنکه
نیم شکر و عطر این نوشته بند نالو دفع شود هفتم بر یسمان و خرناسید
هفت بار بخوانند هفت کره بدهد و آن بر یسمان در کمر بند در دهفت
اندام دفع شود هشتم دفع شب کوری هفت بار بر سر خوانند و در خشم

بدانکه چون خوابیده این عمل بخارید باید روز چهارشنبه و پنجشنبه
و جمعه روزه دارد و هر روز بعد از غسل دو کاهن احد و بیت کرت
به نیت نصاب بخواند و نزد یک بعضی به نیت شراکت تا دو ازاره روز
هر روز تسبیح بار بخواند بعد برای برآوردن حاجت در آغوش غسل کند
و دو کاهن آد نماید بعد از سلام ده بار اوتیت و دو به نستعین
اگر منک فارجع ارحم منک فادع ااقرب منک
فاناجیه اسمع منک فانادیه یا کریم یا رحیم یا مجیب
دعوتی و انقض حاجتی اللهم انی اوتیت الیک و من اکی
الیک فقد اوی الی کمن شدید و ده بار درود و سه بار
اخلاص و یکبار فاتحه الکتاب و انعام و روز لایستوی تا آخر دایره الکریم
تا خال دون و سورۃ انعام اگر نتواند آیه اول از سورۃ انعام و از لایستوی
تا آخر سورۃ حشر خواند این حزب شروع کند تا دو ازاره روز هر
روز تسبیح بار بخواند و روز نهم وقت صبح اگر پیش از نماز بخواند

بهتر است و عمر و بین الغنائین یکان یکان بار نماند چون به منظر لنا
 هذا البحر رسد مراد خود به ظاهر بگذرانند چون کی بعض رسد یعنی در حروف
 کی بعض یک انگشت دست راست و یک انگشت در چپ بگیرد و
 در هر دو خم مق دو انگشت بکشد اما باید در دستن و
 و کشدن ابتدائی آن خضر کند و رعایت تقدم است نگاه دارد
 بعد هر دو از دست انگشت فرو گیرد چون به کل شئی قلی رسد
 مراد خود در دل بگذرانند چون به لفظ شاهت الوجوه رسد
 دشمنان خود در خاطر آرند چون به جم هفت کار رسد بهر هم طرفه
 دهد و ابتدا از راست کند و این دعا بخواند اللهم لا تقبلنی بغضب
 ولا تهلکنی بعد ایاک و عافنی قبل ذلک اللهم لا تأخذنی
 بسوء عمالی لا تسلط علی من لا یرحمی و کف ایدی الظالمین
 عنی یا حفیظ الحفظینی و یسر اموری و حصّل مرادی
 در این محل نیز مراد خود در خاطر آر و جم هفتم گفته بهر هم غیب خود

دست فرود آورد و منقول است اگر هر روزی یا هر شب بخواند
در عصمت حق باشد و فائز شود ان شاء الله اگر بادشاه یا پادشاهی
خواهد او را زبان رساند باید این حرز را خواند بر
دست خود و زنده و دست بر سر و تاج اعطای فرود آورد
همه منفاد او کردند و اگر به جهنم خوف درندگان بخواند امان
باید اگر در کاری در مانع باشد باید در مقام حاجت و مضاعف
دو رکعت نماز کند و دو بعد از سلام این حرز بخواند پنج بار یا هفت
بار ان شاء الله هر پیوسته این حرز بخواند در دنیا و آخرت منف
باشد و این حرز حرز العمر گویند یعنی بعد نماز بهر نیتی بخواند مسیر
آید و هر مواظبت کند جمیع موجودات منفاد او کردند و با انواع
تأثیرات بهره مند گردد ان شاء الله بجهت حاجت و یکبار بر کلاب
خواند بدو چون به حیثی بجا رسد منفاد بار بخواند بیستم کتب
الله و الذین آمنوا أشد حبا لله بعد از آن گوید خداوند

محبته فلان بن فلان و در جميع حوارج و استخوان او پيدا کردن و يك
 لحظه بوي نتواند بودن آمين آمين آمين و كند سركشت
 بر زبني زند و همين طريق سسه روز خواند آن كلاب در سينه كند
 هرگاه بمقابله او رود قدری از كلاب بكف خود مال و دست به
 بروی خود فرو و آردايقم برای الشرح صدور و زياده فهم هر
 روز بنزده بار بر نبات و يا بر كلاب يا بر شيريني بخواند و چون بجل
 باهو قرآن مجيد في لوح محفوظ رسيد هفتاد بار سه مرتبه آنج
 لحظه تا آخر آيه بخواند اما بايد هر روز بناسن بخواند دل او
 كشته گردد و فهم زياده شود ايضا برای دفع اعداء و عقد اللسان تا دو
 از ده روز هر روز سستی و سسه بار بخواند چون بالتسليم و جی
 اعلائنا رسد هفتاد بار يا قاهره البطش الشدايد انت الان
 لا يطاق انتقامه خداوند فلان به بشه و مكر و تهر و غضب متلاكی و به
 خود مشغول گردان و چشم و گوش و زبان او بسته ملامت گردان فقطع دای

القوم الذين ظلموا والحمل لله رب العالمين كويد ايف بهت كمال معرفت
وعلم حال تا ستر روز هر روز نوزده بار بخواند چون به حج البحرین یقیناً
بنیما برین رخ لا یبعیان برسد هفتاد بار لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین کويد و در آخر کويد اللهم فی اساک
کمال معرفتک و حقیقتہ الیقین و حمدنا ارحم الراحمین اینه
برای شفای میرفن تا دوازده روز هر روز دوازده بار بخواند چون به
الذی لا یفر مع اسمه شیء رسد هفتاد بار و من فی القرآن ما
هو شفاء و رحمة للمؤمنین یا مشاء فی شفا بخش فلان روز از
جمع مرضهای بسم الله الرحمن الرحیم کويد اینه به جهت تسخیر سلاطین و امراء
تا دوازده روز هر روز دوازده بار بخواند چون به یا من ید ملکوت
کل شیء و الیه ترجعون رسد هفتاد بار یا عینی عزیز کردن مراد
چشم فلان بن فلان کويد یون سکه بار انا انزلنا بخواند و بعد تمام گوشت
هرگاه در بخانه او رود این حرز در راه یکبار بخواند اینه به جهت آسایش

راه و سلامتی سفر قبل از آنکه سفر شود سه بار با هم و شرايط دعوت
 هر روز دوازده بار بخواند چون به حواله الله و بقله ته علیا
 هفتاد بار یا حفیظ احفظنی من جمیع البلیات یا ارحم الراحمین
 گوید و در وقت روان شدن و فرود آمدن محل خوف یکبار لازم
 دارد ایتم بجهت حفظ کشتی پیش از آنکه کوار شود سه روز هر روز هفتاد
 بار بخواند چون به سحر لاهل البحر رسد هفتاد بار بخواند خداوند خود را
 و مال خود را و سباب خود را و رفیقان خود را به امانت سپارم
 با خیریت بس حل رسان تا آنکه در کشتی باشد هر پنج وقت یکبار و در
 سار و در محل طوفان تا آن زمان بخواند و طوفان فرو نشیند
 ایتم برای سلامتی ایمان اینها را شستن تا سه روز هر روز ده
 بار بخواند چون به حبس عظیم رسد هفتاد بار گوید اللهم انی اسألك
 ایمانا صادقا و یقینا كاملا و قلبا رجا و عذبا و معونات
 الشیاطین و عذبا صاب ان یحرقون و یا قاهرذا

البطل الشدي انت الذي لا يطاق انتقامه يا قاصدا
ايضا به حتمه كشتن تخت دفران بر آب باران يا براب جاه
شبه کشيد باشند تا سحر و زهر روز نشي و يكبار خواند بر آب
فغ زرد و چون بجل فافتح لنا فانك خير الفلحين رسد
هفتاد بار قل اللهم تا بغير حسا بخواند بعده از آن آب دست و پاكي
او شسته آن آب رسد در جابه پاك اندازد در جابه كسي بر او رسد و پا
در آب جاري اندازد و عنقریب اليام بر او خود رسد ايضا بجهت نوبدي
تا سحر و زهر روز بيمت بار بخواند چون به و انشوها علينا خي
رحمتك رسد هفتاد بار يا غني اغني فلان قبي رزقا طيبا
و اسعا بغير حسا بايد هر روز هفت در و شش رانان بر سر
بوسه خود بدهد تا ابواب فتوح بروي كند و ده كرد ايضا به جهته اداك
رضي تا دوازده روز هر روز دو بار بروايتي تا سحر و زهر روز
پانزده بار بخواند چون به و انتهى فانك خير الوانين رسد

هفتاد بار گوید اللهم انی بجلالک تحمیدک وفضلک
عن سوال بطاعتک عن معصیتک گوید و پیش از اقامت
الله صل علی محمد وعلی آل محمد وادعوا للبراء و النزاه
علی آل محمد بعد از آن گوید اعتصمت بالله القناع الفیاض و ک
این شعر را بطایفه اولی که بر سر طریق خواندن در یاد اولی
و دایم جمیع حروف تسبیحی محفل جمیع عبادت با نام گویند
بعد از نام سر آیت اول سوره انعام بخواند و آیه الکسیه تا فاعل فی
و لایسری تا آخر سوره شرب بعد فاعله بخواند فاعله انزل علیکم
بعد الغم امنه نعاما یعنی طائفه منکر و طائفه قدامت
انفسهم یظنون بالله غیر الحق ظن الجاهلیة یقولون هل لنا
من الامر شیء قل ان الامر کله لله ینخفون فی انفسهم ما لا
یبدون لک و یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا
ها هنا قل لو کنتم فی بؤسکم لبرز الذین کتب علیهم القتل

الْمَصَاجِعِمْ وَيُنْزِلُ اللَّهُ مَا فِي صُدُوكُمْ وَيُخْضِرُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ
أَشَدُّ عَلَى الْكَافِرِينَ مِنْهُمْ نُزُلًا لَكُمْ رُكْعًا سَجْدًا يَتَّبِعُونَ ۝
فَضْلًا مِنْ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ
ذَلِكَ مِثْلَهُمْ فِي التَّوْبَةِ وَمِثْلَهُمْ فِي الْإِخْلَاقِ كَزَرْعِ الْخَمْرِ
مِنْطَاهُ فَا زَرْعُهُ فَاسْتِغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوَاقٍ يُعْجَبُ الزَّرْعُ
لِيُعْظِمَهُمُ الْكَافِرُونَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا رَبِّ سَهْلٌ وَسَهْلٌ لَا تَعْسرْ عَلَيْنَا
الْفَبَاقَاتِ فَاجِمِ حَاخَادَ الدَّارِ زَا سَيْنِ مَسِينِ
صَادُ صَادُ طَا ظَا عَيْنِ قَا قَا فَا كَا مِيمِ نُونِ
وَأَوَّلَهَا يَا خَا نَدْرُ عِدْرُ زَنْدِ وَكَدْرُ حُرُوفِ نَحْيِ بَيْدِمْ بَايْدِ فَا نَدْرُ
حُرُوفِ نَحْيِ بَايْدِ حُرُوفِ نَحْيِ بَيْدِمْ بَايْدِ فَا نَدْرُ
بُرُوفِ حُرُوفِ نَحْيِ بَايْدِ حُرُوفِ نَحْيِ بَيْدِمْ بَايْدِ فَا نَدْرُ
بُرُوفِ حُرُوفِ نَحْيِ بَايْدِ حُرُوفِ نَحْيِ بَيْدِمْ بَايْدِ فَا نَدْرُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا عَلِيَّ يَا عَظِيمَ
 يَا حَلِيمَ يَا كَرِيمَ يَا رَبِّ وَعِلْمَكَ حَسْبِيَ نِعْمَ الرَّبُّ رَبِّي نِعْمَ
 الْحُبُّ حَسْبِيَ تَضَرَّضْتُ عَنْكَ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ضَالِّكَ
 الْعَصَا فِي الْحَرَكَاتِ وَالسَّكَنَاتِ وَالْكَلِمَاتِ وَالْأَرْوَاحَاتِ وَ
 الْخَطَرَاتِ مِنَ الشُّكُوكِ وَالظُّنُونِ وَالْأَوْهَامِ السَّائِرَةِ لِلْقُلُوبِ
 عَرَضُ الْعِلَّةِ الْغُيُوبِ فَقَدْ ابْتَلَى الْمُؤْمِنُونَ وَزَلُّوا أَوْ
 زَلُّوا لَا تَدِيلُ مَا وَادِّقُوا الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمُ
 مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَغْرَوْنَا فَتَشَبَّهْنَا
 وَأَنْصَرْنَا عَلَى جَمِيعِ الْخَلَائِقِ وَخَرَلْنَا هَذَا الْبَرَّ وَالْبَرَّ وَاهْلَمَا
 إِنِّي بِنُفْسِي مَقْصُودٌ فِي طَرِيقِ دَوْلَةِ الْخَلَائِقِ كُلِّ سُلْطَانٍ وَوَزِيرٍ
 وَكَبِيرٍ وَآمِيرٍ وَغَنِيِّ وَفَقِيرٍ وَآمَامٍ وَرَجِيئَةٍ فِي هَذَا الْبَرِّ
 وَالْبَرِّ كَمَا صَحَّحْتُ الْجَمْعَ لِمُوسَى أَشَارَتْ بِرَأْيِ سَلَامَتِهِ دَرَسْتُ هَفَاةً
 بَارِكُوا بِذِيهِ وَنَدُّوا خُودَهُ وَزَيْفَانِ خُودَهُ بِنُفْسِي دَرَسْتُ بِسْمِ اللَّهِ

برسان وسخرت النار لآبراهيم وسخرت الجبال والحديد لآدم
وسخرت الريح والشياطين والجحش والانس لاسماعيل و
سخرت الثقلين لمحمد عليه الصلوات والسلام وسخرت
لنا كل حجر وحجر وعبد هو لك في الارض والسماء والملك والملكوت
وبعد الدنيا وبحر الآخرة وبهما وسخرنا كل شئ في يمينك
ملكوت كل شئ واليه ترجعون بحق كهيصص انارت نمرت
على الاعلاء اللهم انضنا فانك خير الناصرين وانقنا لنا
فانك خير الفاتحين ما واغفر لنا فانك خير المغافرين
ما وازقنا فانك خير الزانقين ما واجمنا فانك خير
الراحمين واخفظنا فانك خير الحافظين ما واهدنا
فانك خير المتصدين ونجنا من القوم الظالمين وهب
لنا غرة اشرار برجهت همت هتاد بار نواند يحيي نعم كحج الله
تا آخر نواند برجهت نسيح سلاطين وحكام واهل دولت هتاد بار كويبر

یا عزیز عزیزین کردن از در چشم فلان بنی فلان بعد از آن سحر بار
 از لاله بخواند و دله و حرمة و بركة و کرامه و مهابة
 و ریحا طبة کما هی فی علمک و انشرها علینا من خزائن
 رحمک و ارحمنا با حمل الکرامه رسد برای تو نکره و زیارت
 هفت بار بگوید یا غنی اغنی تبغیر حساب مع السلامة و
 العافیة فی الدنیا و الآخرة انک علی کل شیء قدير اللهم
 بسّر لنا امرنا مع الراحة تلوبنا و ابد لنا و السلامة و
 و العافیة فی دیننا و دنیا نا و کن لنا ما صاحبنا فی سفرنا
 و معینا و حامیا فی حضرنا و خلیفه و اهلنا و اطمن
 علی وجع اعدائنا چون اینجا رسد دشمن بعد از آن در دهکده
 کرد یا غنی اغنی و از زقینی رزقاً طیباً و اسعاً بغیر حساب
 هفت بار بگوید محل اجابت چون اینجا رسد برای خلاصی محبوس بگوید
 دشمن در دهکده آمد و اسخیم علی مکاتهم فلا یستطیعون المضی

ولا الجيئ اليسا ولونشاء لطمسنا على أعينهم فاستبقوا
الصراط فاني يسمون ولونشاء لمسخناهم على ما هم
فما استطاعوا مضيا ولا يرجعون ^{بشارة} ^{إبراهيم} ^{عليه السلام}
والقرآن المحكم انك لمن المرسلين ما حمل انت ربك
غيب موت وغلبه حالها رابكوبه لا اله الا انت سبحانك
ان كنت من الظالمين ودر آخر كريد اللهم اني اسألك
كمال المعرفه وحققة اليقين سبار على صراط
مستقيم تنزيل العزيز الرحيم لتسندهم قوما صا
انذرا باؤهم فهم غافلون لقد حق القول على أكثرهم
لا يؤمنون انا جعلنا في أعناقهم اغلاالا فهي الى
الاذقان هم مقمقون وجعلنا من بين أيديهم
سدلا وض خلفهم سدلا فاغشيناهم فهم لا يبصرون
شاهت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما

طس طسم جمع سحر جرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ
 لا یغیان حم حم حم حم حم حم حم حم حم حم
 رس اللهم لا تقتلنا بغضبك ولا تهلكنا بعذابك
 وعافنا قبل ذلك اللهم لا تأخذنا بسوء اعمالنا
 ولا تسلط علينا من لا یحمننا وكف ایدی الظالمین
 عنا یا حفیظ حفظنا اللهم یسر امرنا وحصل امرنا
 نخواند بعد از آن از حَمَّ الامر شروع کند هفت حم چهار تمام اندام
 اند آغاز از رستان دوم پس سوم جیب چهارم پنش پنجم بالا ششم
 فردی هفتم بر خود نف زند و بر تمام اعضا دست فرود آورد و هر کرات
 این عمل بخار دَحَم الامر و جاء النصر فعلینا لا ینصرون
 حم نزیل الكتاب من الله العزیز العلیم غازی الذی
 وقبل التوب شدید العقاب فی الطول لا اله
 الا هو الیه المصیر بسم الله بابنا تبارک حیطاننا

بسی

بِسْ سَقْفًا جَوْنِ اِيْمَارِدٍ بِجَهْرٍ اَمِنْ رَاهِ وَسَلَامَةٍ تَفْرِغُهَا دَارُ بَرٍّ يَمِينًا ^{حفظ}
اَحْفَظْنِي مِنْ جَمِيعِ الْاَفَاتِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ كَيْصَعْمَنْ كَفَانِنَا
حَمَّ عَسَقٍ حِمَايَتِنَا فَيَكْفِيكَ هَمُّ اِلَهِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
يَسْتُرُ الْعَرْشَ مَسْبُوكٌ عَلَيْنَا وَعَيْنُ اِلَهِهِ نَاطِقَةٌ اَلْيَسْبُوحُ
اِلَهِهِ لَا يَقْدِرُ عَلَيْنَا وَاِلَهِهِ مَنْزِلُ اَرْحَمَ مَحِيطٍ بِكُلِّ شَيْءٍ
فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ فَاللهُ خَيْرٌ حَافِظٌ وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
اِنَّ وَلِيَّيَّ اِلَهِهِ الَّذِي تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى الْكُتُبِ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ
اِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اِلَهِهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ اِلَّا هُوَ
اَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَاَنْ تَوَلَّوْا
فَقُلْ حَسْبِيَ اِلَهِهِ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ اِيْمَانًا صَادِقًا وَثِقَةً
كَامِلَةً وَقُرْبًا اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ
وَاعُوْذُ بِكَ رَبَّ اَنْ يَحْضُرُوْنِ وَيَقَاهِرُوْا بِالْبَشَرِ الشَّدِيدِ

بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض والسماء بسم الله
الذي لا يضر مع اسمه شئ في الارض ولا في السماء وهو
السميع العليم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم يا الله
يا نور يا حي يا مبين ازاكسني يا ارحم الراحمين ااكسني من
نورك وعلمتي من علمك وفهمتي منك واسمعني منك
وبصرني بك واقمني بشهودك وعرفني الطريق اليك عند
قوات كل واحد منها يضرب اليهم على الارض ويطلب
المطلوب وهو نفا علي بفضلك والبيني التقوي
بك وصاك اناك على كل شئ قدير يا سميع يا عليم يا عظيم
يا حلیم يا علي اسمع دعائي بخضائص لطفك آمين
آمين آمين الله وملائكته يصلون على النبي
يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما وصلي
الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين اعوذ بكلمات

الله التامة من شر ما خلق يا عظيم السلطان يا قدير
الاحسان يا داور النعم يا باسط الرزق يا واسع العطايا
يا دافع البلاء يا سامع الدعاء يا حاضر ليس بغائب
يا موجود عند الشدة يا خفي اللطف يا لطف الضع
يا حلما لا يعجز يا جواد لا يخجل وصل الله على سيدنا
محمد وآله الطيبين واصحبه الطاهرين بعد يا حفيظ
سيد نور ودهشت باركوا نذروا نبي وسيله نور نزل بسم الله الرحمن
الرحيم الهى تو سلت بالسر الاسرار الخفية الهى تو سلت
بكرمك الخفى الهى تو سلت بهذا الحزن العظيم ان
نقضى الحاجج حاجاتي ومرادى وان تدفع شرر
اعدائى واحسادى الوحا الوحا الوحا العجل العجل
العجل الساعة الساعة الساعة بحق اهيا اشرفيا اهيا
اشرفيا ورحمك يا ارحم الراحمين يا محب يا محب يا محب

خواص اسما حسنه صلوات الله علیهم که هر روز هزار بار بخواند صاحب یقینی
و برای دفع تب مد مد درج کند یا چمن م هر که بعد از نماز هفت بار
گوید غفلت و فراموشی و سستی دل او رود یا چمن م هر که هر روز
صد بار گوید شفی تو مهدیان کرد در دهر و دهم به یزیدین آهین کرده روز
جمع بعد از ناهار جمع بیوشنید مکر و مکر و بعد از ناهار و جمع هفتش
کفته کرد یا صلاک نشی مکر هر روز نود بار گوید روشن ضمیر
و تو نکر کرد و دملوک مسخ و منقاد و اگر کند و برای اجابت و زیادت
عزت و حرمت خواند مجرب است یا قل و سس برای بی باک دل هر
روز وقت زوال صد بار گوید و به جهت پناه یافتن از خفتن وقت
قرار چند آنکه تواند بگوید اگر مسافر در راه مداومت نماید بیچگاه
در راه مانده نه شود و عاقل و مضطر نگرند و اگر بعد از جمع زمان
نوشته بخورد و صوفی چشمت ملکم کرد یا سالام م برای
دفع مرضی و دیارده مایر خواند و اگر مداومت نماید از ترس ایمنی

تسلیم

و اگر سید و نوزده بار بخواند و اگر مداومت نماید از تنگی بر شیرینی خواندن
بر دشمن و همدشمن کمرد یا هو من هر که بسیار خواند خلق مطیع و منفاد
او کردند و اگر مداومت نماید نوشته با خود دارد و متاع طایره
و باطن وی در امان حق باشد یا مصیبتی هر که بعد غسل صد بار گوید
بر دلها شرف و بر معیبات مطلق گردد و اگر مداومت نماید از جمیع غایت
و عادات پناه یابد و از جمله پشیمانیان گردد یا عیسی جم هر که بعد
از نماز پنج بار روزی هر روز چهل و یک بار بخواند در دنیا و عقب
محتاجی که نشود و اگر مداومت نماید بعد از نماز روزی هر روز یکصد و
این صفت عجیب غریب است یا جابج هر که بر نیت مقهور یا علی
این اسم بعد از نماز جمعه صد بار بخواند جمله مملکتها را از تنگی
عزیزیت و یکدیگر گوید بدست هیچ عالم گرفتار نکند و اگر مداومت
نماید از غیب و بر کفشی خلق در امان باشد و ملوک و امارت را بداید
کم در این اسم مداومت نماید و در انگشتها وقف کرد پس موافق

اعداد بر شکل یعنی در شکل برگذاشته می پیونند در دل خلق ممکن گردد
یا متکبر چو هر که در بستر ملال قیل و قول ده بار گوید فرزند خدا ترس
آید و اگر در ابتدای هر گاهی بسیار گوید برادر او بر تمام رسد یا
خالی هر چنگ در شب بسیار گوید دل و روئی او منور گردد و در تمامی
کارهای قوی باشد و ثواب او در قیامت در دیوان او بنویسند
و حق تعالی فرشته آفرینند تا روز قیامت از قیل و طاعه کند اگر کسی
در صفت بار یک جهان کلمات یکمیا و زرگیری و غیره منقول باشد
ایکاتم خود هر صبار صد بار بخواند موجب دل خواه خواهد شد یا با هر
مس برای محبت بر کل خوشنویس یا بار بخواند و در عین خواندن نام او را
مادر او متصل گفته بدد و بدهد تا بگویند بقرار و به آرام کرد هر که در
یا جمعه صد بار گوید او را در کور نکند از دنیا بهشت ننمایند یا به صورتی
هر که در وقت زفتن اسم یا صورت بر انگشت شهادت بر پیشانی نشاند
هر جا که برود و هر که ملاقات کند دوست او گردد و اگر عورت را بچشم نماند

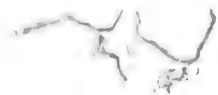
روز روزه دارد و در هر وقت افطار بیت و یکبار بر آب خواند
بخورد حق سبحانه و تعالی فرزند نرینه روزی کند و هر که بسیار گوید کارها
دنیا را بر او آسان شود یا عفوالم هر که بعد نماز جمع صبار گوید
یا عفوالم اغفر لی ذنبی از مغفرت کرد و یا چهار حج برای مقهوری اعدای
در آخر ماه رمضان روز چهارشنبه و جمعه هم یا چهار صد چهل هزار بار
هر روز در خلایق خواند اول نشتر الطیبا آورده و دو رکعت نماز ادا کند در
هر رکعتی مؤذنین بخواند بعد هر دو رکعت بر آورده مطلب در ششم باشد
بخواند بقوات مشغول شود اول و آخر در و درده بار بگوید بکم السلام
دشمن مقهور گردد و بجهت هر جمع صد بار گوید و اگر مداومت نماید عجب
دنیا از دل او برود و عاقله او بخیر شود و محبت و توفیق حق تعالی در دل
او بیفزاید و اگر میان فرض و سنت فجر صبار بنیت مقهور دشمن
بخواند مقهور گردد یا و هاتم هر که هم یا و یا رب روز چهارشنبه غسل کند
دو رکعت نماز ادا نموده هزار بار بخواند دنیا و جمیع اسباب جهان بر او

فردان کرده در شمار نباید از عمل ظاهر خواهند و هر بعد از نماز
باشت آیه یسین خوانند سه سجده نهند و هفت بار بگویند یا علی متقی
کرد و اگر حاجتی دارد میان شب در صحنی خانه یا در مسجد سه بار سجده
کند و دست برآورده صد بار گوید یا تبتش روان کرد و یا نه اقم
هر پیش از نماز بعد از وقت صبح در چهار کعبه خانه خود در هر کعبه بار
یک در آن خانه تعویذ بنویسند باید و آغاز از کعبه راست کند
در رخ از قبله بگرداند و هر این اسم یا رزاق یا نفی و چهل و پنج بار
بخواند و رزق او گشته کرده و هیچ دشواری و در ماند گزیند اگر
هر بار در محل خواند یا خضر علیه السلام ملاقات کند اما باید در تقیه
حلال خورده یا با فتاح هر خواهد حاجت او زود بر آید باید با وضو
در صحرای فتنه دو رکعت نماز کرده مستقبل قبله شسته هزار بار یا فتاح بخواند
بخاناریه حاجت او بر آید و هر بعد از نماز دو دست خود بر
سینه نهاده هفتاد بار گوید زنگ دل او برود یا علیم ش

بسیار گوید از موفقتی بعیب باید و اگر خواهد و از کارهای پنهان آگاه
یابد باید و در شب جمع بعد از آنی نماز صابر در سجده گفته در جواب
رو و ماهیت آن کار بر روی آشکارا کرد و هر روز سه سجده کرده باشند
چنانچه در بدن او بطریق خفیدن نوزن المی رسد و طایم و ثرا خفشی
نمی آید باید و این نام نوشته در آیه کرم اندازد و سه روز آن آب
بنویسد هر سه و هادو که باشد منفع شود صحت باید نائده کبیره یا غلام
اگر خواهد که از ساحوی یا دزدی یا برده گرفته آگاهی یابد باید و سه
روز روزه دارد و هر شب هزار بار یا علام علی بنی فلان یا آن
بر زبان و اندو با طهارت خستد حالات این ن روکش خورد
و هر روز خواهد چست او دزد بر آید باید و وضو خسته در سجده ختم
دو رکعت نماز بگذارد و مستقبل قبله نشسته هزار بار یا ای اسم بخواند خانه
نار نشین و چش رودان گردد مجرب با قاضی ج هر چه چهل روز
بر قلم نان بنویسد و بخورد از عذاب کور و کسنگ آگینی گردد یا با سطر

هر صبح نگاه دست بر آورده و ده بار گفته بر روی خود مالد هرگز نه
کوان متوجه نگردد یا خافضی ج کشته اهل کشته نمی آید روز روز
طبی دارد چهار روز جمله عدو خدا هزار بار بگوید یا رافع هر
اگر نیم روز یا نیم شب صد بار گوید از جمله خلایق برگزین و به نیاز
کرد یا معزم هر روز چهار و یکبار بر شب و دو شب و جمعه بعد از شام
گوید میان خلق با هیبت بنشیند از خدا تو نترسد یا صلح هر روز
از ظالم یا مصلحی بیم دارد و خدا و پیغمبر گوید بعن سر بر سجده کند
گوید اگر از شر فلان در امان دارا مان یا بد یا مسیح عشق
هر روز پنجشنبه بعد از نماز چاشت یا بعد از بر و آتشی هر روز
صد بار گوید در حق خواندن سخن نگوید هر دعا که خواهد مستجاب
کرد یا بصیرتی در میان سنت و فتنه بخشد و یکبار گوید
مفوض بنظر غایت حق کرد یا حکیم شی در نیم شب بخواند
بگوید از خود رو دهنی تعالی باطنی اولاد معدن اسرار گرداند

یا علی الشریف در هر شب جمعه بر بیت لعلستان بنویسد و بخورد حتی تعجب خلق
او و سحر کرداند با لطیف هم برای کشتن نه بخت دختران و محبت
امراض و کفایت مهمات بعد تحنیه وضو صد بار دعا و متغایه ناما عمل
حضرت پیران اخوانیه مدلس الله او و احکم این است و از برای هر
همی دینی و دنیاوی در جائی خانه به شترالطه دعوت شتران زده هزار
بار نوشت صد و چهل و یکبار اسم یا لطیف بخواند بعد هفتم اسم
مذکور صد و بیست و نه بار بخواند برادرش را یعنی عمل حضرت پیران
اخوانیه قدس الله او و احکم روز شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه
روزی که دارد و شترالطه دعوت مرغی دارد خصوصاً اکل حلال در این
شبها هر شب شترنی بار و اوج حتی دادان به فقواری نند و شب چهار
شنبه نیم شب غسل کند و یکدو که نه بسلسله خوانیم بگذارد خصوصاً روح
برزخ حضرت قطب ربان دعوت الصداقه سلطان سید محمد الدین
عبد القادر جیلانی و حضرت اقدس مولانا قطب الدین محمد حضرت



مقدور مولانا ملا الدین احمد بارواح هر یک فاتحه بخواند بر این طریق
فاتحه دو بار از اولت و دو بار از اخری ده بار و در ده بار پس
فاتحه حضرت رسالت بنام صلی الله علیه و سلم ختم کند بعد اسم یا لطیف بعد پنج
هزار و با نفد و چهل و هفت بار بخواند بعد اسم هر کس که چهل و سه بار
بخواند و همین عمل در شب پنجشنبه و جمعه بخورد بکند بعد از فراغ و بعد خود سترخی
قیامت کند البته عمر در سدا که مقدر گشته حاجت او روان گردد بدین
عمل موافق خواهد گشت و عمل بر آن چهار به قدری الهام و اجماع این است
در چهارشنبه و پنجشنبه و شنبه روزه دارد و بار عایت و ثواب
خصوصاً در باب الحلال و اگر فتوح بخورد بهتر بود و در این شبها در شب
شیرینی به او ارجحی دارد آن به طعمی بدید و اگر برکت قبول منفعت کند
بهتر بود و در شب چهارشنبه نیم شب غل کند و یک دونه بر و در حق داران
بگذارد و یک دونه سلسله حضرت محمد و جهانیان و قطب عالم
و شاه عالم بگذارد و در هر کعبتی بعد فاتحه آیه الکرسی و امنی الرسول

و اخلاص اسم الحان بار بخواند و برای برآوردن حاجات و زید چهارشنبه
 تنبیه گوید بعد از اسم لطیف سه پنج هزار و پانصد و چهل و هفت بار بخواند
 بعد از قسم سه چهل و سه بار بخواند همین عمل در شب پنجشنبه جمیع کند
 البته برادر بر سه طریق عمل مشایخ آخر قدس الله ارواحهم از روز یکشنبه
 تا مجوز و زده دارد و با شرط دعوت در این پنج شب و ابتدا آن
 شب دو شنبه است هر شب غل پاک کردن هزار بار یا لطیف بیاندازد
 و شش هزار بار یا اللطیف بلام توقف و شش صد بار لطیف به
 تنویس تنبیه و یکبار لطیف توقف گوید بعد از قسم سه صد و بیست و نه
 بار بخواند هم چنان تا انتهای شب و شب جمعه و اگر بر این خواند
 این شرط موافق کرد فدائی تو در آن ماه او را بخوار سازند و
 اگر چه محال نموده باز روان گردد قسم این مختلف است اما اینم بانی
 فقیر رسید این است بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی خیر
 خلفاء محمد و آله اجمعین اللهم انی اسألك باسمک اللطیف

اللطيف اللطيف يا من ومع لطف اهل السموات والارض اسال
 ان تطف بي من خفي خفي لطف الخفي الخفي الذي اذا
 لطف به لاحد من عبادك لكفي فانه قلت وقول الحق
 المبين الله لطيف بعباده يرزق من يشاء وهو القوي
 العزيز اللطيف يا اللهم بلطفك الخفي يا خفي الاطاني
 نجنا من مخاوف بحق سورة الاعراف صلى الله عليه وسلم
 خلقا محمدا لله اجمعين يا خبير بش هر بدت نفس خود
 گرفتار باشد اين اسم بسيار گويد خلاص يابد يا حليم مهرب اگر
 كشته بكار دويانها رفت اندر بكار غز نوشته و بار بسته آن آب
 صبر آن كشت و نهال پر كنده كند به كمال رسد و برکت شود عظيم
 هر كه بدل بسيار گويد بر همه عزيز و مكرم بود يا غفور هر كه
 در سرباز حتمي يا اندوهي پيش آيد بنده بار قطعات يا غفور
 نوشته بخورد شفا يابد هر كه بسيار گويد سياه از دل برود يا خلقا

هرگز اینک نصیحت یا تارکی دل و چشم پیدا آید چهل دینار این نام هر رب
بنخوانند آن آب بخورند در چشم مالده شفا یابد و تو نکرده با علاج
هر که این نام پیوسته بخواند یا با خود دارد اگر خود دست برز نشود و اگر
ببیند نوشت با نوا کرد و اگر غریب باشد به شهر خود سلامت بمقصود رسد
یا کسی که بسیار گوید بگریه رسد اگر احکام و و این مداومت
نماند هر کس از این متن ترسد و مهمات نیکو پیش آید یا حفظ م
هر که نوشته در بازو بندد از خوف آتش و دیو چری و کتف و نظیر
این بود یا مقیت متن هر که از غریبی پیش آید یا نقل از جای بجا کند
و صابر نتواند بود یا قطع بدخوی کند یا بسیار گزیند هفت بار هر کون خانه
خواند بد بد بد آن آب در کوزه کند بخورد و اگر روزی در ایدیم
ملاکت بود بر کل یا کل خواند بهوید قوت یابد و روزی در شستن تواند
یا حبیب متن هر که خوف دزدی و راهم ساید بدو چشم زخم یا عده وی
یا عادی یا بانه صودن م هفت روز بخورد و هفت بار بخواند حسبی

الله الحسب هموز هفت روز تمام نمود مصالح را تمام رسد بیدار
از پنجشنبه آغاز کند یا جلیلیم هر روز بخواند و غفران نوشته با خود دارد
و یا بخواند میان خلق موقر و بزرگ کند و یا کسی که در بستر خواب
این نام بر زبان راند نام خود را و در شش روز زمان رسد و عکلا
الکرم الله بگویند و در جهان مکر و شرف گردد و گویند ^{الغالب} الله
علا این ابره طالب رضی الله تعالی عنده این نام بسیار کفایت از آن مرد
او هر کرم الله وجهه گویند یا رقیب من هر روز کرد بر کرد عورت یا بستر
یا ما می خوانند هفت بار از صفحان سلامت مانند یا مجیب من هر روز
بسیار گویند یا نوشته با خود دارد همیشه در امان حق باشد و در آخر هر
دعای گویند و مستجاب نشد یا واسع هر روز بسیار گویند قنایه و لغایه
یا حکیم هر روز و همیشه پیش آنکه هر احتمال و طاقت ندارد بسیار
گویند کفایت باید چهار عدد و بیست و پنج بار بخواند و شسته نیز بخورد
یا و دو دهم برای محبت میان دو کس بر چیزی خورد و غل خوانند

برسد و بیدار بخورد و دوست کرد و یا مجیدش هر کجا آید فرزند یا خرام
و برص باشد در ایام بغض روزه دارد و بوقت افطار بسیار گوید و بر
آب مدین بخورد و شفا یابد و هر که در میان انبیا اجتناف خود غریزه و حرمی باشد
هر صبح نوذر باز بخواند عزیز و مکرم شود یا باعث شش هر که در وقت خواب
رعش دست بر سینه نهد و صد و یکبار گوید حق تعالی دل مرده او زنده و مقام
نواگرداند یا شجیدش هر که اسیری یا فرمان دیا در خمری گستاخ باشد
هر صبح ده دست بر پیشانی او نهد روی لوی آسمان کرده بیت و یکبار بگوید
حق تعالی او و نیک بخت و فرمان بردار گرداند یا خوشی هر که کالای
کم شدن باشد بر چهار گوشه غذای نام ننهد و در میان کلام الله
و نیم شب بر کف دست بخزد و نظر لوی آسمان کرده شمع آرد یا فتنه نود
و اگر مریبوسی در نیم شب سر برهنه کرده صد و هشت بار بگوید غفران یابد
یا کلید صبر هر که در صاعقه یابد و آری آتش بیم باشد و خود سازد امان
یابد و اگر در محل خوف بسیار گوید آمین گردد یا قیام هر که آتشینی قوی

باشند و تدبیر دفع آفت ندانند هزار و یک علوم آرد بکند و بر هر علوم یکبار
 بخواند و آن به پیش مرغان اندازد و بدل نیت وضع دشمنان بکند و خود
 کردند و اگر در دهم سوره روز جمعه بسیار خوانند نسیان از وی برود یا صیتین ج
 هر که اطفال باشد از شیر باز کرده با و صبر کردن نتواند و یا شیر دهند
 نقصان شد باشد باید نوشتن بآن طفل بخواند تا صبر تواند کرد و بر شیر دهند
 بخورند شیرش فروان شود و اگر کسی شغال و احوال ملک خواهد روز شنبه در
 اول مسافه بدان نیت سه صد و شصت بار بخواند آن منصب یابد
 یا اولیام هر که بسیار گوید از ضلالت خلق آگاه شود و اگر از غیبه یکنیز که
 بد چشم باشد و کتب رسول بدل بسیار گوید از بدکاری باز آید یا حمید
 هر که زبان را از بد گفتن نجات تواند داشت باید هر دفعه سی بنویسد دایم
 حمد را آن آب خرد اما ن یابد و هر که بسیار گوید پسندید که دیا محمی
 هر که شوم از یکبار بخواند از عذاب حسابیت امان یابد و هر که بسیار
 گوید در حساب غلط نکند یا صید می ج اگر حل باشد از قوطع ترسد یا انکم حل

در بماند باید و نورش هر سحر که نود بار گوید و بر آنست رسیدن کرد بر
کردنکم کرد اند حق تعالی از ساطع شدن نگاه دارد و نور خلق می یابد و
اولین بختی نرسد و هر مدد است نماید هر چه نرباشن جاری شود بر مدتی
و صواب بود یا معیج هر روز غایتی باشد و نه یک روز خلق خفته بود و چهار
کوشه خانه در هر گوشه هفتاد بار گوید بعد نام غائب چنین گوید یا معیج
فلان بعد باز بمن رسان بغیران الله تعالی بعدت هفت روز خود تا آید
و یا جزا و رسد و اگر چیزی کم شده باشد بسیار گوید یا آید یا محیی برائی
دفع در هفت اندام تا هفت روز بر روز خواند بر خود رسد و اگر طوبت
نماید و نش زنده شود و در بدش تو را پیدا آید یا محیی یا محیی یا محیی
اگر خود بس نیاید هنگام خواب است بر سینه هفتاد نام گویند در خواب و در وقت
بفرمان مطیع وی گردد و بجهت هلاک دشمنان اول شب شنبه یا صبح روز سه
شنبه چهار صد و پنجاه بار بخواند یا محیی اگر بر بخوابد و شش روز
گوید صبح یابد و اگر هر روز هفتاد بار گوید عمرش دراز شود و قوت

در وی زیاده کردد یا قیصرم هر در هر حکام بلند گوید متغری دلها
 شود و اگر بسیار گوید بهانش موجب دل خواه او ساخته شود این دو
 اسم بایکدیگر خواص بسیار دارد یا واجد هم به این نام گویند در خلوت
 بود و چنانکه زود بیهوش هر هنگام خوردن به لقمه گوید در شکم او نور
 کرد و اگر بسیار گوید تو نکر کردد یا صاحب هم به این نام گویند
 در خلوت رود چنانکه زود بیهوش شود انوار در دل او پیدا آید و اگر
 بسیار در چشم خلق بزرگ کردد یا واحدش هوک ادا از خلوت هر سان
 بود هر یک که گوید خوف از دل او برود و مقرب حق گردد و اگر طلب
 فرزند بیاورد یا هر که را مد نوشته باشد خود دارد فرزند آید یا احدی
 هر که بوقت تنهای هزار بار بگوید ملائکه انار در عین معائنه کند یا صمد
 هر که هر سوخته یا نیم شب بسم بگوید و صد بار زده بار بگوید صدق القول
 بود بدست به خط از نگردد و اگر بسیار بگوید که ستم نه شود و اگر در حالت
 و خفا گوید از خلق بپاییز کردد یا قاضی هر وقت آید دست بحر ضروری

نمواند هیچ ویاد دشمنی بروی قادرانند نتواند و اگر بخاری مشکل پیش آید
چهل و یکبار گوید ساخته کرد یا مقتدر روح هر از خواب بیدار شود چشم
پیش کرده نمواند هیچ کار باجی کند و اگر بجهت هلاک دشمن بسیار گوید هلاک
کرد یا مقلد دشمنی هر در هر کویا در جوار خوف پائی بر جان تواند
داشت نمواند و بر خود دارد دل قوت گیرد و هیچ بختی بدو نرسد و اگر
بسیار گوید نفس در طاقت آید فرمان بردار شود یا مستترش هر که ببرد
صد بار گوید بر دهن حق دل او فرو دنیاید و هم کار با او تمام رسد و اگر چهل
و یکبار گوید نفس مطیع و یا کرد یا اوله شی هر که از زنی فرزند و یا غاصبی
و حاجتی باشد چهل و پنج مرتبه در بار گوید خلع بر کند روح هر که ببرد
دشمن آرمیده گردد یا آتشش هر که آخر رسیدن با وصال نیک نیارد
و در خود سازد عافیت بهیتر گردد و اگر بسیار گوید بر دشمن ظفر یابد و درو
مجاهد بر دشمن غالب آید یا ظاهرش هر که بعد از شهادت با فدا گوید
چشم او منور گردد و اگر خوف یابد و باران و غیره باشد بسیار گوید امان یابد

و اگر بر دیوار خانه بنویسد آن دیوار سلامت ماند و اگر هر روز بوقت استراحت
 بار بگوید هیچ کس بوی جیزی بپوشیدن ندارد و بگوید یا باطل شی هر که هر روز بعد
 نماز بگوید سیصد مرتبه بار بگوید حاجت آنکه کرد اگر مداومت نماید هر که او بپند
 دوت دارد و مریض وی کرد یا و ای شی هر که خواهد خانه او و عزا و خواب
 نماند و از غم آن فاقه سلامت ماند باید در کوفه آب ناریس بنویسد و آب در
 کوفه بگذارد و بر دیوار خانه زند سلامت ماند و اگر بخت تیرم که بایزده بار
 بخواند مریض وی کرد یا متعالی شی هر زن در مدت حیض بخواند و شیر
 گردد و اگر بسیار بگوید و ثوابی بوی رسد آن کرد یا بوی صمد که طفل
 بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد
 که شرفی نامستلا بود هر روز هفت بار بگوید دلوی از او سر دشو و مانک
 نه نویا قیابم هر که بعد از نماز هفت سیصد و شصت بار بگوید تو بم قبول
 کرد و هر که بسیار بگوید کارهای وی به صلاح باز آید و نفس در راحت رام گردد
 یا ای مگر هر که مداومت نماید و بخت کند و در بیجلیه محتاج که نمیشود و اگر

۲۳۵
این اسم هر روز و شب بنویسند و در کف دست و پاییه بار یا خیال خود
نخوندند منع و غنی گردد و محتاج کسی نکند و یا منتقم هر که بر خواجه دشمن
میر تواند کرد تا سه جمعه بگوید و دوست گردد و بهریتی که بنشیند بخواند بخیر
رسد و خواند دشمنی را انتقام خود کند و باید در بیت و یک یک بخواند
آورده هر یک اسم ده سه کرت خواند و مید بر سر او یا در خانه او یا در محل
نشستن او اندازد و چنانچه برتی او سخت خورد آن دشمن در چند روز دیوانه
شده هلاک شود یا عفو هر که از بسیار گناهانی نویسد حاصل آن بر او
خود سازد و گناهانی او عفو گردند و بجهت ترس و فرغ چند آنکه تواند بخواند
نجات یابد یا رؤف هر که مظلوم را از ظلمی خلاص داند ده بار بخواند
ظلم بشقاعت او راضی شود و اگر مدامت نماید خدا او را پادشاهان گردد و عفو
کند و مدامت دارد یا مالک الملك یا ذوالجلال و الاکرام
هر که مدامت نماید تو نکند و ذبحه گردد و مهمات داری او ساخته کرد یا رب
هر که عزیز خود در میان قوم بیکانه داشته باشد اگر در دلتان خود خط کشد
و این نام بگوید بخوبی بر آورده کرد یا مصلح هر که نمود سپهر شریف

نتواند بود در روز هدا بار بگوید این کرده اگر هفت صد بار بخواند بر مقصود
 و داشته باشد برسد یا جامع نشی در خواهر اهل اجتماع او جمع شوند
 روز یکشنبه وقت چاشت عمل کند و روی لوی آسمان کند و انگشتان
 دو دست به یکن یکن بار بفرنام بپند دهنده شود بعد بروی خود
 گردانند و بر پشت زان جمع کند و اگر به جهت هر دوی روز جمعه بعد ادائی
 نماز و چهل و دو بار بگوید سخته کرد یا غنی نشی هر که به بلا اطمینان باشد
 بهر عضوی از اعضا خود دست فرود آورد و این نام بگوید مقصود حاصل
 شود و اگر روز هفتاد بار بگوید در مالش برکت شود و هیچ گاه محتاج نکند
 یا معنی هم هر که بخواند نمبدي حاصل شده باشد تا ده جمعه در روز هزار
 بار بگوید از خلق به نیاز کرد یا معطی ام هر که را محال نکند باشد
 یا معطی السائلین بسیار بگوید بی نیاز شود یا معنی نکرد یا مانع ج را
 جفت نکند و اگر باشد نه کام بر صد بار بگوید زوار گردد و برای بر
 پیش از احوال اعدا چند آنکه تواند بگوید یا صاحب هر که خود در مقام

بپند که در حور و انبیا حقیقت یا مجاز او عشق تروری شود اگر از زین
 بیم دارد این نام هر جنبه جم و ایام بیض و عیار گوید مستقیم بود و محمل
 قرب یابد و بعضی گفته اند یا ضا و تنها خواندن مناسبت یا ضا و فائده
 بخواند یا نافع هر که در هر چهار روز چهار روز چهل بار بخواند یا صد یک بار و
 چند که هر یک هزار بار یا ده کس یا در کس کمتر یا پیش تر از غرق شدن
 کشتی و از تلف شدن آیین بود و اگر میان صد و شصتی برود هیچ نفعی نداشت
 ترسد و اگر در بدایت هر که بخواند کسب دل خواه او تمام یابد یا نفع هر که
 در شبهای جمعه هفت بار سوره نور و هزار یکبار این نام بخواند در دل او نور
 پیدا آید و اگر در وقت صبح مداومت کند و اگر در وقت شام روشن کرده
 یا هادی هر که در وی نوری آسمان کرده و دوست بد داشته بسیار گوید و
 دست بر روی چشم بگذارد تا اهل موقت رسد و اگر بسیار گوید بر سر هر حکم
 شود یا بدیع سحر اگر اهل پیش آید هزار بار و بر خواندن این هفت هزار بار یا بدیع
 السموات و الارض گوید بکفایت رسد و اگر با وضو تکبیر کرده و روی به

جانب قبله آورده چندان بگوید در خواب زود برانگیزد و خواب نبرد
 یا باقی جمیع روز در شب صد بار بگوید اعمال و مقبول کرد و پنج بگفته بداند
 و برای دفع دشمن و آلام و رستگاری بسیار بگوید یا ولایت جمیع روز و وقت
 برآمدن آفتاب صد بار بگوید پنج بگفته بداند و اگر بسیار بگوید برافران
 و اشارت خود تفوق یابد یا بر شعیل در تدبیر کار خود نداند میان شام
 و غروب هزار یکبار بگوید تدبیر کار خود بداند و اگر مداومت نماید و تلاش
 به سعادت و رفاه گردد یا صوم جمیع روز پنج یا شصتی یا مصلحتی یا دردی
 پیش آید صد و سی و سه هزار بار بگوید اطمینان باطنی یابد اگر نیندیشد یا روز و ماه
 نماید بگفته زبان کشد دشمنان و خصمهای دشمنان و رضای سلطان بود از غلب
 و قبولیت دلها حاصلت تمام دارد برای سماع الالباب در اسم جلا و
 جلال یا مشترک بیت اشت بطن کشید و از تمام آن جمع کرده چنانکه ذکر
 اقتدار و عظمت در تمام الفاظ موافق آن اسم آورده بعضی موهلات سماع
 دارد و مندرج سخته خواهیم خواه موهلات احتراجه خواه در نه وضع کند اگر



شماره

شرايط آن اسم داده باشد همان شرايط باشند و اگر نه بعد از تمام غرضت به
نخواند و برای حاجت تا جمل روز هر روز سید و شفت یا عدد از تمام تا جمل
روز قسمت کرده بخواند مثاله یا رحمن کل اشئ و یا رحمة یا غنی یا غنی
هشت بطن ۹۱۳۷ نه هزار و یکصد و هشت و هفت و غنیمت اینست یا اموات
یا شکیل یا ریا یا لیل یا حو لیل یا یهو یا ضیاء یا یهو یا یهو یا یهو یا یهو
المقتدر الم حافظ الرفع الواحد الاحد المنعم المعطي
المفضل الرفع در جنتی واقض حاجتی و اکشف مهماتی
بخش که بعضی و بحق جم عشق در دعوت سر به بالا غنیمت
فان الله سميع عليم و از دید بجهت حصول مطلب و بجهت انجام کار و بجهت برآوردن
عامل این قاصد شود هرگز به پیغم و در دست توان کرد و ب او عابد کرد و ب
فلان و اسما و غلام و اسما و احسنی و ادعیه دیگر ایضا برای سیراج
الاجابت از تمام حروف میگویند اسم در شکل زبونی میافزاید و بر کرده چهل
چهار و مکرر سقیم و بنیم منقسم کنند

مرکب بفتح نضم ایل در و ایل اول با بیت و هفتم مرکب بفتح دهم
با اول مرکب به فتح شانزدهم مرکب مفرد بکسر نضم ایل آخر ایل
و اول مفرد بفتح بیت چهارم نیز مفرد به فتح بیت دوم مفرد
بکسر نضم ایل امواک ایل شرا چهارم هم مرکب بفتح بیستم با اول مرکب
بفتح نضم ایل شرا ایل سن بیت هفتم با بیت چهارم مرکب بفتح
بیت ششم با اول مرکب بفتح بیت دهم مفرد بکسر نضم ایل
همواک ایل شش بیت هفتم با بیت چهارم مرکب بفتح دهم با
اول مرکب بفتح نضم ایل همواک ایل ص اول با بیت هفتم
مرکب بفتح پنجم با بیت چهارم مرکب بفتح بیت ششم با اول
مرکب بفتح نضم ایل ابجا ایل ض نهم با ث نهم هم مرکب
بفتح بیت دوم با اول مرکب بفتح نضم ایل عطا ایل ط اول
با دوازدهم مرکب بفتح نهم مفرد بکسر نضم ایل ایتما ایل ظ
بیت یوم با بیت ششم مرکب به فتح یازدهم با اول مرکب

بفتح نغم ایل لوزائیل ع بیت میوم ۵ با بیت ششم بفتح بیت چهارم
 با اول مرکب بفتح نغم ایل لوزائیل ع بیت میوم با بیت ششم مرکب
 بفتح هفتم با اول مرکب بفتح نغم ایل لوزائیل ع دوازدهم با اول مرکب
 بفتح ششم مفرد بفتح بیت چهارم با اول مرکب بفتح بیت دوم مفرد بکر
 بفتح ایل لوزائیل ع دهم با اول مرکب بفتح نغم ایل لوزائیل ع دهم با اول مرکب بفتح
 بفتح ایل لوزائیل ع ششم مفرد بفتح دهم با بیت ششم مرکب بر رفع
 یا ز دهم با اول مرکب بفتح نغم ایل لوزائیل ع ششم با اول مرکب
 بفتح و نیز ششم با اول مرکب بفتح نغم ایل لوزائیل ع دهم با بیت
 ششم مرکب ششم بیت ششم با اول مرکب بفتح نغم ایل لوزائیل ع
 ن ششم با بیت ششم مرکب بفتح بیت میوم با اول مرکب بفتح نغم ایل
 لوزائیل ع دهم با بیت ششم مرکب بفتح میوم مفرد بفتح بیت چهارم
 با اول مرکب بفتح نغم ایل لوزائیل ع ششم بیت ششم مرکب بر رفع
 دهم مفرد بفتح دوم با اول بفتح نغم ایل لوزائیل ع دوازدهم مفرد

بفتح دهم با اول مرکب به فتح نیت دویم با بیت ششم مرکب یک ششم از دهم
با اول مرکب به فتح بضم ایل سر اکیلا بیل منه و شرح هر دو تخته این است
آمر که باید ادبیش از سخن گفتن هزار بار بگوید یا نوشته با خود دارد
ذو جاه گردد و اگر پنجاه هفت نوشته با خود دارد عزیز گردد و اگر
مریضی بر کانه چینی باز عفزان نوشته بخورد شفایابد و در وقت
نوشتن یا رحمن و یا رحیم گوید ب به نیت محبوبش یا بنده
بار گوید خلاص یابد و اگر ۱۴۴ در روز چهارشنبه وقت فرو
رفتن آفتاب نوشته کودک بخورد و ده حفظ بپذیرد
و اگر چیزی فوت شده باشد نوشته در محف بپاشد جایز آید اگر نوشته
با خود دارد از شیر دشمنان ایمن بود و در وقت نوشتن یا قیوم
و یا واحد یا احد گوید اگر هر روز هزار بار بگوید صاحب
دولت گردد و اگر هزار نوشته با خود دارد عزیز شود اگر پانصد
وده در روز سه شنبه وقت زوال نوشته در دیوار خانه

بیا و بز ثابت قدم گردد و اگر نوشته باشد نوشته زن نوید بخواند محبت
 پیدا آید و وقت نوشتن یاد آید و یا صل کوی دست اگر روز
 بیستم نیت محبت کوی دست پیدا آید و اگر پس نوشته زیر سر طفل
 نهد نرسد و اگر روز سه شنبه وقت طلوع آفتاب پنجاه و سه نوشته
 با خود دارد و وجه میاندان مطلع او گردد و اگر از مرتبه خود فرود آید
 باشد باز آن مرتبه رسد باید در وقت نوشتن یا بار و یا کبیر
 ج اگر هفت روز هر روز نه زار بار کوی دست رسالت پناه
 مع بود در خواب بیند و اگر بخوابد نه صد بر قدح نوشته شسته بخورد
 صحت یابد و اگر شب پنجشنبه در آخر نوید ماه هزده نوشته با خود دارد
 و سحر و چشم زخم بر وی کار نکند و اگر مشک و عنبران نوشته بر حر
 سجد پیچید در سوم گفته زیر دندان نهاد و او احاطه معائنه کند باید
 نرسد و در وقت نوشتن یا بامی یا نراکی کوی دست دولت
 بار خواند بر ششینی خاک پاک صید بر دشمن افتند و در

نخ اگر خواهد از غائب خبر یابد باید بعد از نماز جمع بالا ایام هفتصد
بار خواند بطرف غائب و دعا که طرف معلوم نباشد هفتصد نوشته
زیر سر نهد غائب را در خواب بیند و اگر شب چهارشنبه نیم شب
شک زعفران مسطح پنج نوشته با خود دارد و عزیز و محرم کرد
و اگر مدیون باشد از دین غلامی باید بایده در وقت نوشتن
یا حان یا صنان گوید اگر خواهد دشمن از شهر بدر رود
باید وقت صبح پیش از سخن بالا ایام بمقابله ستارگان هفت
بار گوید و اگر هر روز بار گوید بدولت رسد اگر به نیت امانت
در روز شنبه بوقت طلوع آفتاب هفتصد و سی نوشته در مسجد
جامع دفن کند در امان حق باشد باید در وقت نوشتن یاد یان
یا خالق گوید اگر دائم گوید با اهل خویش در امان حق باشد و
اگر هفتصد نوشته با خود دارد و بار شیرینی بخواند بخورد و نیزه
مردم عزیز کرد و اگر در شب دو نوشته بدولت بنویسد و در بخت

نویز کرده با خود دارد در میان خلق عزیز کرد و در وقت نوبت
 با حیم یا کی کوید اگر دینش نامعلوم باشد بپند بپند یار و کوشش و خوشی
 سفید کوید و بد هر جا که دینش باشد اینجا قرار گیرد و اگر با پند یار
 کوید از ترس این سخن گردد و اگر هر روز نوشته با خود دارد و همیشه
 گردد و اگر روز جمعه و بیت نوشته با خود دارد زبان خلق
 از بند گفتن بسته گردد و در وقت نوشتن یا حیم یا معید کوید
 مگر اگر هر روز وقت پیشین بپند یار و در سازه خلق
 مطیع وی گردد و اگر نوشته بر گردن طفل بندد در سنی آید و اگر در
 روز چهارشنبه سید و شست بار در طاس میان حمام نوشته و نوشته
 بر سر اندازد در وقت بر وی کشته گردد و در وقت نوشتن
 یا حیم یا معید یا عیسی کوید مگر اگر دولت بار خواند در خواب بود
 زو یا موده در شکم حامل باشد در خواب بیند و اگر زبان نوشته
 خوردن در لباس نازاید اگر مردی بسته با در روز جمعه نو پنج بار

مشک زعفران بر کانه چینی نوشته و شسته بخواند که پاره گردد
و اگر زن باشد نوشته شسته بر سر اندازد و هر کس چینی را نوشته
در مصحف اندازد و در وقت نوشتن یا قهار و قریب گوید ص
اگر به عقد و بیع نوشته در میان مصحف نهد عزیز گردد و در وقت
نوشتن یا صلح یا نوحه گوید ص برای دفع جنونیت نود بار
خواند بدو نوشته ببندد و اگر به جهت محبت به عقد یا بر کوه و غروب
مطلوع گردد و اگر صد و نوزده در شب جمع باشد که زعفران بر کانه
چینی نوشته زیر سر نهد حضرت رسالت پناه صلوات الله علیه بر سر او در
خواب ببندد و اگر شسته بخورد دل روشن گردد و اگر در خواب
با خود دارد در نظر مردمان عزیز گردد و در وقت نوشتن یا صلح
و یا قدوس گوید طارتر سر غلامی هر بار در به عقد یا بر کوه و غروب
گردد و اگر در شب بخوابد شسته نه صد نوشته با خود دارد در هر حال که
در مانده نه شود و در وقت نوشتن یا حی یا قیوم بخواند

برای محبت هفت صد بار به مشک و زعفران نوشته با خود دارد و اگر
 در روز پنجشنبه صد و سی نوشته با خود دارد شهر جهان گردد و
 در وقت نوشتن یا محمد یا کی جمع اگر بستی روز هر روز هفتصد
 بار بخواند دشمن هلاک گردد و اگر بر برگ خیار عیسی نوشته در
 خانه دشمن اندازد آواران گردد و اگر روز جمعه هزار نوشته با خود
 دارد هرگز محتاج کسی نه شود و در وقت نوشتن یا عظیم یا
 مجیب گوید اگر هر روز هفتاد بار گفته بجانب دشمن دهد مقهور گردد
 برای محبت نه هزار بر پاپی که پاپس نوشته نام آنکس را در خود نوام
 مادر خود نیز نوشته محبت پیدا آید اگر در روز چهارشنبه خود نوشته
 با خود دارد از حبس خلاص یابد و در وقت نوشتن یا مالک
 و یا مصلح بخواند فب بجهت بر آمدن حاجات هر روز چهارصد بار گوید اگر
 صد و یک نوشته با خود دارد از زحمت آئین گردد و در وقت نوشتن
 یا اکرم یا کی هر بخواند اگر هر روز سیست بار گوید اسرار باطنی ^{منکشف}

کرده و اگر در مصیبت بر کاغذ نوشته یا بر پوست آموخته باشد با خود دارد
غیر از کرده و اگر در شب چهارشنبه نیم شب نوشته باشد با خود دارد و هرگاه
خلق آئین کرده و مقول قوال کرده و در وقت نوشتن یا شکری
یا عینی بخواند که اگر نود و نه در وقت بر آمدن افتاب نوشته
باشد با خود دارد و جمله حاجت بر آید و اگر نوشته در باغ و یا در کشت بیاورد
موش و مرغ مغرب رساند و در وقت نوشتن یا خالق یا محیط
یا کویدل اگر به کس طرح نوشته باشد بگوید یا کویدل اگر در شب سه شنبه
نوشته باشد با خود دارد از جمله بلیات آئین کرده و در وقت نوشتن
یا احیا یا اعلیٰ بخواند که اگر بگوید یا در شب جمعه کویدل حضرت
رسالت پناه صلوات الله علیه و سلم بعد از خواب بپند اگر در روز شنبه
سیزده نوشته در صحف نهاد و جستن بر آید و در وقت نوشتن
یا شکری یا عینی کویدل اگر نود و نه نوشته باشد با خود دارد و از نهان
آنکار اگر کرده و در وقت نوشتن یا عینی یا جلال گوید

و اگر چهار بار گوید زبان خلق از بند کفتن بسته کرده اگر خداوند
 با خود دارد خلق مطیع او گردد اگر هفت هزار بار گوید از
 خلق بپایانزد و او را الله اعلم بالصواب دعا سیفی
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اَللّهُمَّ اَنْتَ اَللّهُ الْمَلِكُ
 الْحَقُّ الَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ بِهَدْيَتِ رَسَدِ عَابِدَتِكَ
 دَلْ آوَدُ وَنَزَيْكُ بَعْضُ هَمِّ نَشَاتِ اَرْنَدُ وَجُورِ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ
 كُوَيْدُ بَوْدِهِ بَارُو اَفْوَضْ اَمْرِي اِلَى اللَّهِ اَنْ اَللَّهُ بِصِيْرِ الْعِبَادِ
 اَللّهُمَّ رَفَعْنِي بِاَزْدِ بَارِسْجَانِكَ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْحَيُّ
 نَجْوَانِدْ جَمِيعَ عَالَمِ عُلُوِّكَ وَخَلْقِ مَطِيعِ عَمَلِ كَرْدَنْ اَنْتَ رَبِّي وَاَنَا
 عَبْدُكَ عَمَلْتُ سَوْءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعُوْتُ بِدَنْبِي
 فَاعْفُرْ لِي ذُنُوبِي لِي نَهْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ اِلَّا اَنْتَ يَا غَفُورًا
 يَا شَكُورًا يَا حَلِيمًا صَلِّ عَلَى رَسُوْلِكَ وَنَجِّ اَلْحَمْدُ عَنِ سِرِّ
 هَذَا الْاَسْمَاءِ وَحَقِّ كَرَمِكَ اَلْحَمْدُ عَنِ اسْمِكَ الْاَعْظَمِ

ان تجعلني من اهل عنايتك اسالك ان تقضي حاجتي
كلها بحق من اولك اذا اراد شيا ان يقوله كن
فيكون يا الله يا الله يا الله رائد در سجده سهو باركوب چون
به محل اشتراک اصل رسد چشمها کام به جانب آسمان کرده و دست
بدعا بردارده گوید اللهم بحق سو هذه الاسماء علمت وبحق
کرمک الخفی وبحق اسمک الاعظم ان تقضي حاجتی
کن فيكون کن فيكون اللهم کفی علمک عن المقاله
وکفی کرمک عن السؤاله خورنده حاجت طلبیده چون
حاجت فتح شد دعا افتخ خورنده اگر حاجت قتل شد دعا
قتل خورنده پیش تر کند شروع یا فتاح تفتحت بالفتح الفتح
فی فتحتک یا فتاح یا قهار تقهرت بالقهر القهر
فی قهر قهرک یا قهار و در هر وقت اسم فتح و اسم قهر
نوشته شده است برای فتح اسم فتح برای قتل اسم قتل اللهم

اني احمدك وانت الحمد اهل على صاف من حضرتي
 به من هواه ف الرغائب واوصلت الي من فائد
 الصنائع واوليتني به من احسانك اى حبب خود در دل گذارد
 وبواتني به من مظنة الصدق وانلستني به من قاق
 منك الواصلة الي واحسنت الي من اندام البلية
 عني والتوفيق لي والجابة لدعائي حين انا ديك دعا
 وانا جيت سر اغنياك وادعوك ضاعرا مضاعرا مضاعرا
 وحين امرجك راجيا فاجدك في المواطن كلها لي
 جار حاضر خفيا بارا في الامم ناصرا وناصر اطحن
 به لفظ نامررد هفت بار باسمه بار بياكبار نصر من الله الخ و
 دروديك بار بنامه بخوند خوره فتح باشد خوره قتل باشد شير
 وناظر اطول للخطايا والذنوب غافق اول العيوب سائر
 ظلمت مرعوبك وبرك وخيرك لي طرفة عين من

انزلني دار الاختيار والكفر والاعتبار لتنظر الي فيما اقدم
 اليك لدار القرار فانا عيتقك يا مولاي من جميع المضار
 جز ان يجرد برأي خلاصتي من ميسر وفهم زنا بر كبريا الهي خالص عن
 السجى زائدة دعا قل اللهم فوج هي الكشف غمّي واهلك عدوي
 اللهم نسيت شمله وفرّق جمعه ونزل لقدامه وانقطع
 ارتزاقه واقصم ظهره وقلب تدبيره ويبقى عينه وسوء
 وجهه ونكس اعلامه وخيب آماله وخرّب بنياده
 وبدّل احواله وقرب احواله وسغله ببدنه وخدك
 اخذ عزيز مقتدر واهلكه كاهلك الشداد وغرّه
 كافر قفرعون يا جبار يا قهار والمضال والمصاب
 والعاب والوارب واللوازم والهمم التي قد ساءتني
 فيها العموم معاريف البلاء وضروب جهل القضا
 لا اذكر منك الا الجميل ولما رمتك الا التفضيل خير
 منكر

لي شامل و صنعك لي كامل و لطفك لي كامل و
 فضلك علي متواتر و نعمتك عندي متصلة لم تحضر
 جوادتي و صدقت رجائي و صاحب اسفاري و
 اكرمت احضاري و اشفيت امراضى ف شى عانيت
 منقلبي و مثواي و لم تشمت بي اعداى ^{شهادت} رد انكشت
 براست كردن دشمن كندش رت قتل اي چون دشمنيت بي
 اعداى رسده بار بار يا رب انى مغلوب نشتر
 و هر ميت من مرمايى تو چون هر ميت من مرمايى رسد
 در سبزه رفته هفت يار حسبى الله نعم الوكيل و نعم المولى و نعم
 النصير و نه بار صا ر ميت اذر ميت ولكن الله رحيم و
 بانزده بار هيايد لى كل جبار الخ بنواند و اعده ارا در غايط
 آرد چون ميت او مرمايى رسد حاجت خود طلبد نرسد بعضى
 اشرف دويم است و كفىستى شى من عاداني فحمدى لك واجب

وثناءي عليك متواتر دهر من الدهر الى الدهر بالو
التسليم خالصا للذكر ومضيا لك بناصع التوحيد
واخلاص التفريد والمحاض المجيد بطول التعبد والتعبد
لمنع من قوله لمنع من الى قوله المختلفات ودين محل
حاجت خود در دل كدازد امر في قدرتك ولم تشارك في
الاهيتك ولم تعلم لك مائة العلم ماهية الشئ
عما هو عليه والمائة الابتداء والمائة الانتهاء
وقبل ما يعلم اصل الشئ وصاله فتكون للاشياء
المختلفة مجانسا ولم تعين افجست الاشياء على
الغرائم المختلفات ولا حقت الاوهام حجب الغيوب
اليك فاعتقد منك محدد كافي عظمتك لا يبلغ
بعد الهول ولا ينالك غوض الفطن ولا يستضي اليك
بصر الناظرين في مجد جبروتك ارتفعت عن مهمة

وخضعت لك الرقاب وكادون ذلك تخير اللغات فضل
هناك التدبير في تضاريف الصفات ط فمن تفكر في ذلك
مرجع طرفه اليه حيراً وعقله مبهوراً وتفكره متخيراً
ف من اللهم لك الحمد لك كثير متوالي مستقام متسماً
متوسقاً ومرو لا يبذل غير مفقود في المالكوت ولا
مطوس في العالم ولا منتقص في العرفان فلك الحمد
على كرامتك التي لا تحصى في الليل اذا ابر والصبح اذا
اسفر في البر والبحر والغدو والاصال والعشي واليهما
والظهور والاسحار وفي كل جزء من اجزاء الليل والنهار
اللهم بنو فليل قد احضرتني للنجات وجعلتني منك
في ولاية العصاة فلم ابرح منك في سبوح نعمائك و
تتابع الامك محروماً لك في الرد والامتناع وتحفظاً
لك في المنع والادفاع عني ما ولم تكلفني فوق طاعتك

ولم ترض عني الاطاعتي فانك بغاات الله الذي لا اله
الا انت لم تعبت ولا تعيب عنك غائبة ولا تخفي
عليك خائفتك ولم تضل عنك في ظلم الحقبات ضالة
انما امرؤ اذا اراد ان ينشأ ان يقول له كن نيكين
الهم لك الحمد مثله ما حدثت به نفسك وحمد الشبه
الحامدين ومحمد لثج المحمدون وكبرك به المكبرون
وهذا لك ق به المصلون وعظمك به المعظمون
حتى يكون لك مني وحدي في كل طرفه عين واقلص
ذلك مثل حمد جميع الحامدين وتوحيد صان الموحدين
والمخلصين ونقدس اجناس العارفين ونساء جميع
المصلين والمصلين والسبحين ومثل ما انت به عالم
وهو محمود ومحبوب بح ق ومحبوب من جميع خلقك كلهم
ق من الميوانات والبرايا وارغب اليك في بركته ماء

انطقني به من حمدك فما ايسر ما طفتني به من حمدك
واعظم ما وعدتني به على شكر طابت ابتداني
بالنعمه فضلاً وطولاً وامرني بالشكر حقاً وعدلاً
ووعدتني عليه اضعافاً ومزيلاً واعطيتني من رزقك
في اختياراً ومرضاءً وسالتني فغفرتني من شكر
قاع يسيراً وصغيراً اذبحني وعافيتني من حمدك
البلاء ولم تسلمني لغير فضلك وبلائك وجعلت
ملبسي العافية واوليتني البسطه والرخاء وسوت
لي ايسر الفصد وضاعفت لي اشرف الفضل مع
وعدتني به من المحبة الشريفة وبنرتني به من
الدرجات الرفيعة واصطفيتني باعظم النبیین ذرة
دعوة وافضلهم لناشفاعة ووضحهم حجة محمد صلى الله
عليه وسلم وعلى جميع الانبياء والمرسلين اللهم اعظم لي

ما لا يسعه الا مغفرتك ولا يحق له الاعفوك ولا يكفر الا
تجاوزك وفضلك وهب لي في يومي هذا وليلي هذا
وهو شكري هذا وسبني هذا هيباً صادقاً يهون
علي مصائب الدنيا والآخرة واخوانهما وسبقوني في
اليك ويرعبني فيما عندك واكتب لي عندك المغفرة
و بلغني الكرامة من عندك واوزعني شكرها انعمت
به علي فلك انت الله الواحد الاحد البدي الرافع
البديع السميع العليم الذي ليس لامرك مدفع ولا عن
فضلك منفع واشهد انك انت الله الذي لا اله الا
انت فاق انت ربي ورب كل شئ فاطر السموات و
الارض عالم الغيب قح والشهادة العلي الكبير المتعالي
وق اللهم اني اسالك الثبات في الامر والعزيمة
على الرشدة الشكر على نعمك واعوذ بك من جح كل جابر

وبغى كل باغ وحسد كل غاسد ومكر كل ماكر وشماقة
كل كاشح طبك ق اصول على الاعلاء واياك ارجو ولاية
الاحبد والقرءاً بك فلك الحمد ما لا استطيع احصاؤه ولا
تعديدك من عوائد فضلك وعوارف رزقك والوان
اوليتني بمن ارفادك فانك انت الله الذي لا اله
الا انت ف انت ق الفاشي في الخلق طحمدك الباسط
بالمجدي له لانضاد في حكمك ولا يملكون ولا تثناع في
سلطانك وملحك وامرك تملك من الانام ما تشاء
ولا يملكون منك الاما تريد ق اللهم انك انت
المحسن حين به اللهم انك انت المحسن رددت عابثاً رده
وسر برهم كره روي بوي اسمان او كرده ونشتم مراد خود از رزق
حق تعالى نخواهد فتح باشد خواه قتل انت ق چهارم يا عزيز تعزيت
بالعزة والعزة في عزتك يا عزيز يا مذل لعدوك لنت بالذل

والله في ذلة ذلك يا مذل النعم الفضل القادر القاهر
المقتدر القدوس في نور القدس تزدت ف بالغرق
والعلاق ف ما ونازرت بالعظمة والكبرياء تغثت
بالنور والصفيا وتجلت بالمهابة والبهاء لك المن
القدير والسلطان الشافع والمالك البانخ والجود الواسع
والقدرة الكاملة والحكمة البالغة ذلك الحمد على ما
جعلتني من امة محمد صلى الله عليه وسلم وهو افضل
بني آدم الذي كرمتمهم وحملتم حملتهم في البر والبحر
ورزقتمهم من الطيبات وفضلتمهم على كثير من خلقهم
من اهلها وخلقيتني ق سميعا بصيرا سوريا صغيا لسا
معانا ولم تستغلي بنقصان في بارئ ولا تمغني كرامتك
ايامي وحسن ضيعةك انما غنا طلبه عندك نعم وفضل
منحك لا يجرن وفضل منحك ربه بجهته يسير نعمت

سند

ودفع تحط يا قريب المجيب الموالى الخ نؤند ونعمالك
على انت الذي اوسعت على في الدنيا وفضلتني على
كثير من خلقك تفضيلاً فجعلت لي سمعاً يسمع آياتك
وعقلاً يفهم ايمانك وبصيراً يرى قدرتك وقوادرك
يعرف عظمتك وقلبا يعتقد توحيده لئلا في بفضل
على حامد ولك نفسي شاكر وتجعل شاهدة فانك
حي قبل كل حي وحي بعد كل حي وحي بعد كل ميت
وحي لم يرت الحياة من حي او لم تقطع خيره عني
اثرته ونفع بيان دويته توقف كرده حاجته در دل آورده
بعده ابتداء الخ از عين ثانی كند في كل وقت ولم تنزل لي
عقوبات النقمات ولم تمنع عني ما دائق العصم ولم
تغير علي تائق النعم فالولم اذكرك من احسانك چون
فالولم اذكرك من احسانك ربه در دست داشته طلبت كند

وهر روز خوشتر و هر طرف نشاند الاصفوك عني التوفيق
 لي والاستجابة للدعاءي حين رفعت صوتي نحو جديك
 وتحميدك وتعليك چون حين رفعت صوتي رسد هفتاد بار
 يا الله المحمود ونبأ مغرور من خورنده از درگاه عزت رزاق
 ملحق از طلبه حق تعالی از اوله خواند کرداند و از جمیع شدائد غرضی
 زهر و الا فی تعذیرك لحظتی حين صورتهنی فاحسنت
 صورتی و الا فی قسمة الارزاق قدرتهالی لكان فی
 ذلك ما يشغل شكوي عن جهدي فكيف اذا انكرت
 فی النعم العظام التي انقلب فیها ولا البغ شكركي
 منها ^{منها} ^{منها} فلك الحمد ما حفظ علمك وعدك ما وسعته
 رحمتك عدك ما احاطت به قدرتك جهل و بكن راقدا
 اما احاطت بمراد واضعاف ما تستوجب من جميع
 خلقك في اللهم نعم احسانك چون انتم صمتم

احسانك رسد برای تقوی دین و خلاصی مفسوس همت بار خنان
یا منان ذالاحسان بخورند شرقتی بخت بالرهبة والرحمة
فی وجهتك یا وهاب یا جبار تجبرت بالجبروت و
الجبروت فی جبروت جبروتك یا جبار الی فیما
من عمری کما احسنت الی فیما مضی زق منه اللهم انی
اسالك واتوسل الیک بتو حیدك وتمجیدك وتملیک
وتکبیرك وکبریائك وکمالك وتعظیمك ونورك وفتك
ورحمتك وعلوک وفارك وملك وبهائك وجمالک
وجلالک وسلطانک وقدرک واحسانک و
امنانک ورحمتک ان تصل علی محمد وعلی آل محمد
وعلی سائر اخوانه من الانبیاء والمرسلین وکأن
لا تحب منی رذلک چون لا تحب منی رذلک رسد برای برادران
بیت رشتت بار بار رحیم کل صریح الخ و هم یکبار یا حاجی مقوم

يا احد يا واحد يا ماجد يا جده اجنود وفضلك وجمالك
وجلالك وفوائد كرامتك فانه لا يقرئك لكثرة ما قد نشرت
من العطايا عوائق النحل ولا ينقص جودك في التقدير
في شكر نعمتك ولا تنفذ خزائنتك مواهبك التسعة و
لا يؤثر في جودك في العظم منحك الفارقة الجلية و
لا تخاف ضيم املاق فتكدي ولا يلحقك خوف
عدو يارب جبرائيل يارب ميكائيل يارب اسرافيل
يارب عزرائيل يارب محمد رسول الله امددني في
قضاء حاجتي يا قاضي الحاجات اقض حاجاتي فيقص
من جودك في فيض فضلك اللهم ارزقني في قلباً
خاشعاً خاضعاً صاعراً وبتاً صابراً ويقيناً صادقاً
ولساناً ذا كراو حامداً وعيناً بالية وهرن قافراً
واسعاً وعلماً نافعا ووالداً صالحاً ولساناً طويلاً وعملاً

صالحاً واسألك رزقاً خلا لاطيباً ولا نوعاً مني مكراً و
تكشف عني سترك ولا تشينني ذكرك ولا تقنطني من حمتك
ولا تبعدني من كفك وجوارك واعذني من سخطك
وغضبك ولا تؤسني من رحمتك وروحك وكن لي
انسياً من كل روعة ووحشة واعصمني من كل هلكة ونجني
من كل بلية وآفة وعاهية ومحنة وغصة وشدّة في الدين
لا تخلف البعد اللهم فراق ارفعني شأن من تقصون حوز النجا
رعد حضرت علي كرم الله وجهه رعد رعد ونا د عليا سم بار بكونه جنت
طلبه و الكرابي قل خزانة بوم سدر بركوبه لاننا الاعلى لا سيف
الاذوا الفقار و سمر هيت من بغني علي يسهم الله و
وسيف القائل ولا تحرمني والكن مني ولا تقنني وخرني
ولا تقضي تحرمني كريد ولا تضعني وارفع عني ولا تقه
واعطني ولا تحرمني والكن مني ولا تقنني ونزدني

وَلَا تُفَضِّنِي وَارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي وَانْفِرْ فِي وَلَا تُخَذِّلْنِي وَانْزِلْ
وَلَا تُؤْخِرْنِي عَلَيَّ أَحَدًا وَاحْفَظْنِي وَلَا تُفَضِّنْنِي فَلَكَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قُدْرَةٌ يَا أَجَابَةَ جَلِيلٍ يَا جَوَّابَ الْجَوَابِ يَا بَدِيدَ الرَّبِّ
رَبِّهِ رَحِمْتَ خَدْمَكَ بِكَرِيمًا لَطِيفًا اغْنِنِي وَصَلِّ اللَّهُ تَعَالَى
عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
اللَّهُمَّ مَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ أَمْرٍ وَضَعْتَ فِيهِ تَوْفِيقَكَ وَ
تَسْيِيرَ فَمَثَلِي بِأَحْسَنِ الْوَجْهِ وَأَصْلَحِهَا وَأَصْلَحِهَا
فَإِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ يَا أَجَابَةَ جَلِيلٍ يَا مَنْ
قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ بِأَمْرِ يَامَنْ يَمْسُكُ السَّمَاءَ
إِنْ تَقَعِ عَلَى الْأَرْضِ الْإِبَادَةُ يَا مَنْ أَمَرَ إِذَا أَرَادَ
شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ يَا مَنْ يَكُونُ رَسْدُ بَرٍّ
زَيْغُ شَيْءٍ وَمَا مَذْكُورُ خَوَاشِعِ بَعْدَ يَا قَاهِرَ ذَا الْبَطْشِ
السَّالِدِ الْخَائِفِ بَارِكُوا زَيْدًا وَابْنُ اللَّهِ لَمْ يَسْتَجِبْ

دعوتی کما استجب دعاء محمد صلی اللہ علیہ وسلم لیلۃ
الاسری ودعاء جمیع الانبیاء والمرسلین والاولیاء
والصدیقین والصالحین اجمعین بحرمۃ هذه الد
محمد وآله اجمعین فتی نسبحان الذی بیدہ
ملکوت کل شیء واللہ الید ترجعون وعلی اللہ
علی محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین سلو
سلیما مبارکاً کثیراً کثیراً



